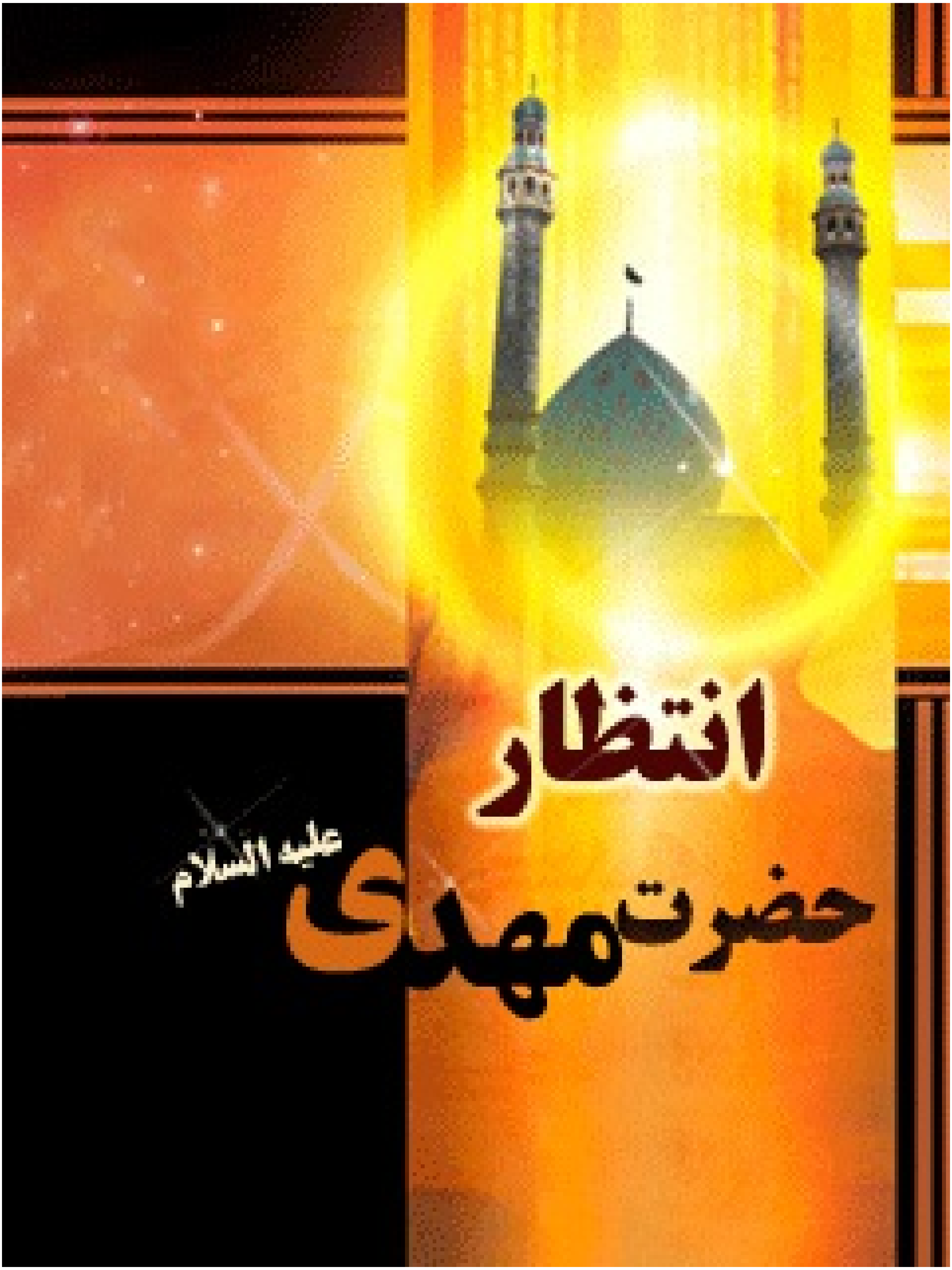

انتظار
حضرت مهدی
علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

انتظار حضرت مهدی علیه السلام

نویسنده:

واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

انتظار: بهار و باران

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : انتظار: بهار و باران واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران مشخصات نشر : قم مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران ۱۴۱۸ق ۱۳۷۶. مشخصات ظاهری : ۱۲۰ ص ۹ × ۱۹س م. فروست : آشنایی با امام زمان علیه السلام ۱۲. شابک : ۰۰۸۱ریال ؛ ۰۰۰۳ریال چاپ دوم ۴۶۹-۵۰۷۶-۰۶-X ؛ ۰۰۰۳ ریال چاپ سوم) ؛ ۰۰۰۳ ریال (چاپ پنجم) ؛ ۰۰۰۶ریال (چاپ ششم) یادداشت : چاپ دوم: زمستان ۹۷۳۱. یادداشت : چاپ سوم پاییز ۰۸۳۱. یادداشت : چاپ پنجم ۲۸۳۱. یادداشت : چاپ ششم: زمستان ۵۸۳۱. موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم ۵۵۲ق - موضوع : مهدویت-- انتظار شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم) . واحد تحقیقات شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره : PB۴۲۲ /الف ۸ ۶۷۳۱ رده بندی دیویی : ۲۶۴/۷۹۲ شماره کتابشناسی ملی : م ۷۷-۹۷۲۴

به عنوان پیشگفتار

یا صاحب الزّمان ادرکنا

مبحث انتظار، سابقه ای به قدمت تاریخ آفرینش انسان دارد.

از آن زمان که فرشتگان الهی به امر خدا در برابر حضرت آدم(علیه السلام)سر به سجده فرود آوردند،[۱] بحث انتظار قائم موعودی از سلاله پیامبر خاتم حضرت محمد بن عبداللّه(صلی الله علیه وآله وسلم)مورد تأمّل قرار گرفت.[۲]

از آن زمان که حضرت نوح(علیه السلام) پس از نهصد سال اقامت در میان قوم و فراخواندن آنان به دین خدا، ناامید گشت و برای نابودی کافران دعا نمود،[۳] چشم انتظاری او آغاز گشت.

او اگر چه تا آمدن طوفان و نابود شدن کافران زمان خودش بیش از پنجاه سال انتظار نکشید،[۴] امّا انتظار چند هزار ساله او، برای غلبه کامل دین خدا و ریشه

کن گشتن همگانی کافران تا زمان ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)، ادامه خواهد یافت.

از آن زمان که حضرت ابراهیم(علیه السلام) پایه های کعبه را بالا برد و دعا کرد تا خداوند سر زمین مکه را جایگاه امنیت و ایمان قرار دهد،[۵]انتظارِ روزی در دلش جاگرفته بود که فرزندی از نسل او و از سلاله آخرین پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) در همین دیار و در کنار همین خانه، تکیه بر همین پایه ها خواهد داد و ندای توحید را به گوش همه جهانیان باز خواهد خواند.[۶]

از آن زمان که حضرت لوط(علیه السلام) در برابر فاسدان هوس پرستی که عزّت و احترام میهمانان عرشی و خاندان با ارزش او را مورد تهدید قرار داده بودند، آرزوی داشتن قوّت و تکیه گاهی استوار کرد، اندیشه انتظار قائم در روح و جانش جاری بود.

لوط گفت:

«کاش برای مقابله با شما قدرتی داشتم یا به تکیه گاهی استوار پناه می جستم.» [۷]

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

«حضرت لوط این سخن را نگفت مگر به عنوان تمنّای دسترسی به قدرت قائم ما(علیه السلام) ، و آن تکیه گاه استوار چیزی نبود جز استواری و توانایی یاران او! زیرا هر یک از آنان دارای قدرت چهل مرد و قلبش قوی تر از قطعه های فولاد است. آنان اگر بر کوههای آهنین گذرند، آن را از بیخ و بن بر آورند. و شمشیرهایشان در غلاف نیامد، مگر اینکه خدای تعالی راضی شود.» [۸]

از آن زمان که حضرت موسی(علیه السلام) مردم را به مبارزه با فرعون فرا خواند و آنان را به یاری طلبیدن از خدا و شکیبایی تشویق کرد،[۹]بارقه انتظار حضرت مهدی(علیه السلام)در جانش می

درخشید، و در آرزوی حاکمیت مطلق او بود که بشارت داد:

«همانا زمین از آن خداست و آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد به ارث خواهد رساند، و فرجام نیکو برای تقوی پیشگان است.» [۱۰]

از آن زمان که حضرت عیسی(علیه السلام) با دلی سرشار از مهربانی و با جانی سوخته از عشق، مردم را به همدلی و همداستانی دعوت کرد و آیه های محبّت را در گوش جان آنان زمزمه کرد، تذکر به انتظار را جزو آیین خویش قرار داد [۱۱] و زمانی که در برابر ناسپاسی و عداوت و ایمان ستیزی مردمی که به کشتن او برخاسته بودند به جوار قدس آسمانیان بالا رفت، انتظار تاریخی خود را برای فرود آمدن در کنار کعبه و نمازگزاردنِ به امامت مهدی(علیه السلام) و یاری کردن او را آغاز کرد.[۱۲]

پس از آن نیز، از زمان پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) تا آخرین لحظات عمر امام حسن عسکری(علیه السلام) هرگز امر انتظار فرج، مورد غفلت واقع نگشت و جلوه های گوناگون انتظار در ضمن صدها روایت از پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) و دهها روایت از امیرالمؤمنین(علیه السلام) و هر یک از امامان معصوم(علیهم السلام)، تجلّی یافت و در همه قرون گذشته نیز همین نور انتظار بود، که سینه به سینه از نسلی تا نسل دیگر، همواره آفاق جان و دل منتظران را در طی همه بحرانها و فتنه ها روشن داشته است.

و اینک دوران ما، به عنوان حسّاس ترین بخش از دوران غیبتِ آخرین حجّت الهی، حضرت مهدی(علیه السلام)، تابناک ترین عصر انتظار به شمار می رود.

پر شکوه ترین و بی مانندترین قیام مردمی

شیعه، به رهبری سرخیل شیفتگان و منتظران حضرت مهدی(علیه السلام) و با فداکاری و جانبازی و خونفشانی میلیونها انسان پاکباخته راه انتظار ، در این دوران به ثمر نشسته، تا در قالب جمهوری اسلامی ایران، اسوه و الگویی برای همه جهانیان باشد و دنیا را به سمت انتظارِ حکومت جهانی امام زمان(علیه السلام)سوق دهد.

در آن روزگاران که در این مملکت;

هر نوع آزادی تبلیغ می شد جز «آزادی اندیشه دینی»!

هر نوع سخنی آزاد بود جز سخن از «رهبری مذهبی»!

هر کالایی خریدار داشت جز «قرآن»!

هر حرکتی مجاز بود جز حرکت در راه «اسلام ناب»!

در آن روزگار که «اسلام» را تسلیم در برابر سلطه حاکم!

«قرآن» را کتابی متبرّک برای عروسی ها و عزاها!

«ولایت» را اقامه مراسمی سرگرم کننده در ولادت ها و شهادت های ائمه(علیهم السلام)!

و «انتظار» را سکوتی ذلیلانه و نشستنی عافیت طلبانه! می خواستند، امام راحل برخاست و مردم را با انگیزه «چشم انتظاری خورشید» به سمت روشنایی ها هدایت کرد و مردم شیعه چشم انتظار که اینک «اسلام» را به عنوان «برنامه زندگی»،

«قرآن» را به عنوان «کتاب قانون»،

«ولایت» را به عنوان «رهبری مبتنی بر وحی»،

و «انتظار» را به عنوان «حرکتی پرشور و پر امید» به سمت هدفهای آسمانی پذیرفته بودند تحت رهبری های امام، با ایمان به پیروزی قطعی و نافرجام نماندن قیام، علیه طاغوت و استکبار شوریدند و با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، راه پرافتخار استقلال و رهایی و عزّت را به سایر ملّت های حرمان کشیده و در بند دنیا نشان دادند.

اینک نیز در پایان دومین دهه این انقلاب همه جانبه، «همان امّت» به رهبری فرزند برومند «همان امام» (قدس اللّه نفسه) برای

آشناتر کردن سرگشتگان دنیای مادّیت با انتظار حقیقی و فتح آفاق تازه تری از آرمانهای موعود، با ایمانی راسخ و با عزمی استوار، همچنان نستوهانه و بی تردید در راهند.

واحد تحقیقات مسجد مقدّس جمکران، در آستانه سالگرد میلاد منجی عالم بشریت حضرت مهدی(علیه السلام)، حاصل تلاشی مختصر در زمینه بازشناسی انتظار را خدمت همه شیفتگان و منتظران امام زمان(علیه السلام)تقدیم می دارد.

به این امید که این خدمت ناچیز، در آستان مقدّس آن امام بزرگوار مورد قبول و عنایت قرار گیرد و به دعای حضرتش، خداوند چشمان منتظران را به دیدن جمال نورانیش فروغ و روشنی بخشد.

«یا ایها العزیز مسّنا و اهلنا الضّرّ و جئنا ببضاعه مزجاه فأوف لنا الکیل و تصدّق علینا إنّ اللّه یجزی المتصدقین.»

انتظار ... انتظار مهدی (ع)

انتظار: دیده به راه دوختن است،

لحظه شماری کردن برای دیدار کسی یا انجام واقعه ای است،

به امید کسی یا چیزی ماندن است،

چشم داشتن و توقّع کاری یا حادثه ای است،

نگران شخص عزیزی یا امر مهمّی بودن است.

انتظار: امیدواری، چشم به راهی، آمادگی، نگرانی، چشم داشت و درنگ است.[۱۴]

امّا انتظار مهدی(علیه السلام) : همه این ها و فراتر از این هاست.

انتظار مهدی(علیه السلام): ایمان به «غیب» اقرار به «ولایت» و باورداشت حق حاکمیت «قرآن» است.

عصاره «یقین»، چکیده «تقوی» و خلاصه «عمل صالح» است.

عشق به «زیبایی ها»، التزام به «خوبی ها» و شوق به «کمالات» است.

«تلاش» برای «یافتن»، «مقاومت» برای «رسیدن» و «جهاد» برای «ساختن» است.

انتظار مهدی(علیه السلام) : روایت «اشتیاق»، حدیث «جستجو» و قصّه «وصل» است.

انتظار مهدی(علیه السلام) : اقتدای به او، بیعت با او، و سرسپاری به فرمان اوست. رمز پایداری، سرّ استقامت و راز جانبازی در راه اوست.

انتظار

مهدی(علیه السلام) : «عامل رشد»، «پشتوانه مقاومت» و «ضامن پیروزی» پیروان امامت است.

انتظار مهدی(علیه السلام) : سنگربانی «عقیده»، مرزبانی «اندیشه» و مبارزه در راه پاسداری از «فرهنگ اسلام و ولایت» است.

انتظار مهدی(علیه السلام) : انتظار روز ظهور اوست و انتظار روز ظهور او، انتظار غلبه اسلام و قرآن است و انتظار غلبه اسلام و قرآن، انتظار تحقق وعده های خداوند است.

دین بر پایه انتظار

انتظار امام زمان(علیه السلام) از چنان عظمتی بر خوردار است که در برخی روایات، نه در ردیف فروع دین بلکه در شمار اصول و قواعد اساسی دین قرار گرفته است.

انتظار در کنار شهادت به توحید (شهاده أن لا اله اِلّا اللّه) و ایمان به پیامبر (و أنَّ محمّداً عبده و رسوله) و اعتراف به قرآن (تقرّ بماجاء من عنداللّه) و اقرار به ولایت (والولایه لنا اهل البیت) چه مفهومی جز اصل اساسی بودن آن دارد؟

دین اسلام بدون «انتظار قائم(علیه السلام)» ناقص می ماند، چنانکه اگر «ولایت علی(علیه السلام) » نمی بود ناقص مانده بود. پس همچنانکه اعلام ولایت امیرالمؤمنین(علیه السلام) باعث تکمیل دین و اتمام نعمت الهی و رضایت خدا نسبت به اسلام بود، انتظار مهدی(علیه السلام) نیز موجب کمال دین و تمام نعمت و رضای خداوند است.

خداوند «دین بی ولایت» را نمی پذیرد چنانکه «ولایت بی انتظار» را نمی پذیرد و این خود به این معناست که خداوند «دین بی انتظار» را نمی پذیرد و همین است که امام صادق(علیه السلام)همه آن اصول را تحت این عنوان می فرماید که:

«اَلا اخبرکم بما لایقبل اللّه عزّوجلّ من العباد عملاً اِلّا به».

[۱۵]

«آیا شما را خبر ندهم از آنچه که خداوند بدون آن هیچ عملی را

از بندگانش نمی پذیرد؟»

و امام باقر(علیه السلام) از مضمونی شبیه به آنچه ذکر شد عنوانی روشن تر و رساتر ذکر می فرماید:

«الدّین الّذی یقبل اللّه فیه العمل.»

«دینی که خداوند بر اساس آن عمل بندگانش را می پذیرد.» [۱۶]

در این حدیث شریف که در غیبت نعمانی و امالی شیخ طوسی و اصول کافی با مختصر اختلافی نقل شده و با وجوه مختلفه آن در کتاب ارزشمند بحارالأنوار نیز آمده است، اصولی دیگر چون برائت از دشمنان اهلبیت و تسلیم بودن در برابر فرمان امامان(علیهم السلام) و پرهیزگاری و سخت کوشی در راه دین و ثبات و طمأنینه نیز ذکر شده است.

و از مجموع آن نکاتی چند در خور تأمّل است:

۱ انتظار یکی از پایه های اساسی دینِ مورد قبول خداوند را تشکیل می دهد.

۲ قرار گرفتن انتظار حضرت مهدی(علیه السلام) در کنار شهادت به توحید و نبوّت و ولایت، حاکی از شدّت اهمیت و اعتبار آن در نزد خداوند است.

۳ خداوند بر اساس مجموعه اصول مذکور است که اعمال بندگانش را می پذیرد، بنابراین اگر نقصی از ناحیه هر یک از اصول پیش آید مقتضی برای قبولی اعمال حاصل نخواهد گشت، و بر اساس همین نکته است که می توان گفت: «هیچ عملی را از بنده غیر منتظِر نمی پذیرند.»

۴ آمدن دو اصل پرهیزکاری و سخت کوشی (ورع و اجتهاد) هم ردیف با انتظار قائم(علیه السلام)علاوه بر تصریح به جدایی ناپذیر بودن «انتظار و ورع» و نیز «انتظار و اجتهاد»، به کامل نبودن دین بدون آن دو نیز، دلالت دارد; همچنانکه به عدم قبول انتظار بدون آن دو اشاره دارد.

۵ در

پایان حدیث این عبارت آمده است:

«إنّ لنا دولةً یجیئ اللّه بها اذا شاء.»

«ما را دولتی هست که هر زمان خدا بخواهد آن را پدیدار خواهد ساخت.» [۱۷]

این عبارت را می توان «حکمت انتظار» دانست، یعنی از آنرو که دولت پایـدار و جهانی اهلبیت(علیهم السـلام)روزی به دسـت امام زمان(علیه السـلام) و به اراده خـدا عملی خواهـد گشت و در آن همه اهداف پیامبران(علیهم السـلام)تعالیم قرآن و اهلبیت تحقق خواهد، یافت شایسته است که مسلمان موحّد چشم انتظار آن باشد و این انتظار از اصول اساسی دینش به شمار آید.

چشم انتظار باران

امیرالمؤمنین(علیه السـلام) در خطبه هـای متعـددی سـخن از انحرافات و نابسامانی های پیش از ظهور پیامبر به میان می آورد و اوضاع اجتماعی دوران جاهلیت را به بیان های مختلفی متذکر می شود.

از آن جمله می فرماید:

«خداونـد یکتـا بنـده و پیـامبر خویش حضـرت محمـد(صـلی الله علیه وآله وسـلم) را هنگامی فرسـتاد که نشانه های هـدایت به کهنگی گرائیـده و جاده های دین محو و نابود شـده بود. او حق را آشـکار ساخت و مردم را نصـیحت نمود و آنها را به سوی کمال هدایت کرد و به میانه روی و عدالت فرمان داد.» [۱۸]

«خداوند در زمانی پیامبر(صـلی الله علیه وآله وسـلم) را مبعوث ساخت که نه نشانه ای از دین برپا، و نه چراغ هدایتی روشن، و نه طریق حقّی آشکار بود!» [۱۹]

«هنگـامی او را به رسالت برگزیـد که با زمان پیامبران پیشـین فاصـله زیادی ایجاد شـده بود، جهانیان از انجام عمل نیک دوری گزیده و منحرف گشته، و ملتها به جهالت و گمراهی گراییده بودند.» [۲۰]

«وی را در آن هنگام که ملت های جهان به خواب

طولانی فرو رفته بودند و تار و پود حقایق از هم گسسته بود، برای هدایت انسانها فرستاد.» [۲۱]

«آن زمان که فتنه و فساد جهان را فراگرفته بود. کارهای خلاف در میان مردم منتشر، و آتش جنگ زبانه می کشید، دنیا بی نور و پر از مکر و فریب گشته بود. برگهای درخت زندگی به زردی گراییده، از ثمره زندگی خبری نبود، آب حیات انسانی به اعماق زمین فرو رفته، منارهای هدایت مندرس گشته و پرچمهای هلاکت و بدبختی آشکار شده بود، دنیا با چهره ای زشت به اهلش می نگریست و در برابر جویندگانش عبوس و گرفته جلوه می کرد. میوه درختِ آن، فتنه و طعامش مردار بود. در درون، وحشت و اضطراب و در برون، شمشیر حکومت می کرد.» [۲۲]

«ناگهان طلوع کننده ای طالع گشت، درخشنده ای درخشید، آشکار شونده ای آشکار گردید. آنچه از جاده حق منحرف گشته بود به راه راست بازگشت، خداوند گروهی را به گروهی دیگر تبدیل کرد و روزگاری را به روزگاری دیگر دگرگون ساخت. و ما همانند کسانی که در خشکسالی، چشم انتظار بارانند، در انتظار این دگرگونی ها بودیم.» [۲۳]

به راستی در آن «شب سیاه ستم»، در آن «ظلمت دامن گستر جهل»، در آن «ضلالت مطلق» چه چیزی جز «امید طلوع سپیده» می تواند حق باوران را به استقامت وا دارد؟

چه چیزی جز «انتظار درخشش خورشید» می تواند ریشه ایمان را در دلها زنده نگهدارد؟

به راستی در آن «پاییز زندگی»، چه چیزی جز چشم به راه بهارِ ماندن، می تواند شوق جوانه زدن، اشتیاق روییدن، و آرزوی ثمردادن را، در دلِ بذرِ نهفته در خاک، زنده بدارد؟

چه

زیباست تعبیر خیال انگیز و حکمت آمیز چشم انتظار باران بودن، در خشکسال! خصوصاً برای کسانی که در آخرالزمان زندگی می کنند! زیرا این دوران را به دوران جاهلیت تشبیه کرده اند، چنانکه ظهور صاحب الزمان(علیه السلام) را با بعثت پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) همانند دانسته اند.

پس اگر خشکسالی تکرار شود چه چاره ای هست جز به چشم انتظار باران بودن؟! در «خشکسالی» عاطفه ها، در «قحطی» محبت و مهربانی، در «تنگدستی» آسمان ایمان و «بی نوایی» زمین عمل، در «عطش» دشت های احساس و «بی آبی» چاههای وجدان، در «سوزش» کامهای تشنه عدل و انصاف، و در «تفتیدگی» جگرهای سوخته به آتش ظلم و گناه، چه باید کرد، جز «انتظار باران» کشیدن؟!

خوشا روزی که ناگهان طلوع کننده ای طالع گردد، درخشنده ای بدرخشد، آشکار شونده ای آشکار شود و آنچه از جاده حق منحرف گشته به راه راست بازگردد.

خداوند گروهی را به گروهی دیگر تبدیل کند و روزگاری را به روزگاری دیگر دگرگون سازد و ما همانند کسانی که در خشکسالی، چشم انتظار بارانند، در انتظار این دگرگونی ها بوده باشیم.

راستی آیا می شود وقتی قحطسالی به پایان می رسد و بارش باران رحمت پروردگار آغاز می شود ما از گروه منتظران باشیم؟!

آیا می شود وقتی حضرت مهدی(علیه السلام)می آید، با جانی سوخته از اشتیاق، منتظرانه به استقبالش برویم؟!

در انتظار روح نماز

در روایتی از امیرالمؤمنین(علیه السلام) آمده است:

«کسی که در انتظار اقامه نماز به سر برد در طی زمان انتظارش، در حال نماز محسوب می شود».[۲۴]

و به همین مقدار اکتفا ننمود بلکه در جای دیگر فرمود:

«کسی که منتظر وقت نماز بماند بعد از ادای نمازش

در زمره زیارت کنندگان خدای عزوجل به شمار می آید.» [۲۵]

اقامه نماز اگر چه ستون دین است، امّا همه دین نیست. نماز با همه اهمیتی که دارد تنها بخشی از تعالیم انسان ساز اسلام و تنها یکی از راه های اصلی، قرب به خداوند است. نماز در کنار روزه و حج و جهاد و خمس و زکات و سایر احکام نورانی قرآن، تنها یکی از فروع دین به شمار می رود و اهمیتش هرگز بالاتر از اصول دین نیست.

حال اگر قرار باشد به فرموده مولای متقیان، که کلامش برگرفته از کلام پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) و ریشه دار در سخن خدای عزّوجلّ است، ارزش انتظار یک مؤمن برای برگزار شدن نماز جماعت و یا حتی رسیدن وقت، برای ادای نمازِ خودش در حدّی باشد که نفس زدنهایش را قرائت و ذکر نماز، و نشستنش را قیام و رکوع و سجود نماز بشمارند و او را در حال انجام نماز محسوب دارند، باید دید منتظران قیام دینِ مجسّد و عدالت موعود، حضرت مهدی(علیه السلام) را در چه مقام و منزلتی می بینند؟

باید دید آنها که منتظر اقامه تمامیت دین و پیاده شدن همه تعالیم حیاتبخش اسلام هستند در نزد خدا و امینان او چه جایگاهی دارند؟

راستی اگر قرار باشد کسی که در انتظار داخل شدن وقت نماز بسر برده و شوق «ایستادن در برابر معبود» او را چشم به راه «اذان» قرار داده است بعد از نماز در شمار دیدار کنندگان خدا (زوّار اللّه) قرار گیرد، کسی که در انتظار فرار رسیدن وقت «ظهور روح نماز و عبادت» بسر برده است، کسی که اشتیاق «سر

نهادن همه جهانیان به اطاعت معبود» او را چشم به راه قیام مهدی(علیه السلام) قرار داده است، در شمار چه طائفه ای از مقرّبین خداوند است؟!

بیهوده نیست که جایگاه منتظر را جایگاه شهید بخون غلطیده در پیش روی رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم)دانسته اند. چه مقامی از این بالاتر می توان تصور کرد؟ شهید که شهادتش دری به سوی بهشت است بی هیچ وصف دیگری، از خاصّان اولیاء است. او با شهادت خود به مقامی دست می یابد که «لیس فوقه برّ» بالاتر از آن فضیلتی نیست.

امّا تنها این مقام در خور منتظِر نیست، مقام او مقام شهیدی است که زیر پرچم پیامبر و در رکاب پیامبر جنگیده و در برابر پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)آخرین مرحله ایمان و جانبازی و ایثارش را به نمایش گذاشته و در پیشگاه او به خاک و خون طپیده است.

زیباتر اینکه منتظِر نماز می نشیند و چشم انتظار وقت نماز یا برپایی نماز جماعت می ماند، امّا منتظِر قیام حضرت مهدی(علیه السلام) که نماز مجسم، حج و جهاد مجسم، بلکه قرآن مجسّم و دین مجسّم است، در انتظار اقامه نماز و حج و جهاد و ... و در انتظار احیای قرآن و دین بر می خیزد، می کوشد و می خروشد.

و چقدر فاصله است بین اجر نشستگان و برخاستگان!

چقدر دور است فاصله بین مقام منتظران قاعد و قائم!

تلاشی هدفمند

«احب الاعمال الی اللّه عزّوجلّ انتظار الفرج.»

[۲۶]

«رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) و امیرالمؤمنین(علیه السلام)»

گرچه به ظاهر در ترجمه این حدیث شریف، فرقی بین دو تعبیر، «الی اللّه» و «عنداللّه» نیست، یعنی در هر دو صورت می توان آن را

«در نزد خدا» معنا کرد; لکن بعید نیست واژه اوّل الی که در اصل به معنای «سوی و جهت و طرف» استعمال می شود، در اینجا نیز حاکی از عنایتی خاصّ باشد که با حکمت و دقّتی که در فرمایش معصومین(علیهم السلام)نهفته است، می تواند نشاندهنده حرکتی با سمت و سویی الهی باشد.

به عبارت دیگر وقتی پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) که لسان صدق خداوندی است و امیرالمؤمنین(علیه السلام)که امیر بیان است به جای «احب الاعمال عنداللّه» عبارت «احب الاعمال الی اللّه» را در مورد انتظار به کار می گیرند، گویا به حرکت آفرینی انتظار نظر دارند، گویا بر آن هستند که انتظار را به عنوان عامل پویایی و رشد «الی اللّه» و پشتوانه حرکت به سوی خدا معرّفی نمایند.

پس «انتظار فرج» کار است، حرکت است، تلاشی هدفمند است و با بی هدفی و سکون و تن آسایی سازگاری ندارد.

دیگر اینکه در انتظار چون حرکت و عملی در راستای اراده خداوند و در جهت عملی شدن وعده های او صورت می گیرد، محبوب خداست.

و دیگر اینکه چون انتظار در تحقّق احکام الهی و آرمانهای توحیدی نقشی تعیین کننده تر از سایر اعمال دارد، بیشتر از آنها مورد محبّت خداست.

حماسه انتظار

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

«افضل اعمال امّتی انتظار الفرج.»

[۱]

برترین کارهای امت من انتظار فرج است.

و فرمود:

«انتظار الفرج عباده.»

[۲]

انتظار فرج عبادت است.

و فرمود:

«افضل العباده انتظار الفرج.»

[۳]

والاترین عبادت، انتظار فرج است.

و فرمود:

«افضل جهاد امّتی انتظار الفرج.»

[۴]

بالاترین جهاد امت من، انتظار فرج است.

در میـان همه خلایق، امّتی والاتر از امّت حضـرت محمّـد(صـلی الله علیه وآله وسـلم)نمی توان یافت، و چون چنین است اعمال امت

پیامبر والاتر از اعمال همه امّت هاست.

در میـان چنین اعمـال والایی از امّت پیامبر(صـلی الله علیه وآله وسـلم)والاتر از «انتظار فرج» نمی توان یافت، چون «انتظار فرج» انتظار «قدرت اسلام و توحید» است. انتظار «حاکمیت وحی و ولایت» است، انتظار اجرای حدود الهی و احکام قرآنی است.

از دیگر سو، «انتظـار فرج» عمـل است، کار و تلاش و تکاپو است و چه عملی از مقـدمه سازی برای قدرتمنـد گشـتن اسـلام و توحید و به حاکمیت رسـیدن وحی و ولایت و اجرا شدن حدود الهی و احکام قرآنی، مقدّس تر و پسـندیده تر و با فضـیلت تر است؟

در کلام نورانی پیامبر(صـلی الله علیه وآله وسـلم) به همین بسـنده نمی شود که «انتظار فرج»، والاترین عمل از والاترین امّت به شمار رود. بلکه بالاترین درجه از با ارزش ترین عمل مؤمنین یعنی «عبادت» که نمایش خالصانه اطاعت و بنـدگی خداست، به آن اختصاص می یابد.

«انتظـار فرج»، عبـادت است زیرا جلوه ای زیبا از گردنگزاری به فرمان خـدا و گردنفرازی در برابر طاغوتان است و قصـد قربت می طلبـد. و بالاـترین عبادت است چون رنگ گرفته از ایمانی راستین به خـدا و پیامبر و رسـتاخیز، و برخاسـته از باوری پویا به امامت و ولایت و حق حاکمیت قرآن، و مستلزم ایثار و استقامت و فداکاری است.

و به این نیز اکتفـا نمی شود بلکه «انتظار فرج» نه تنها جهاد، بلکه بالاترین جهاد امت پیامبر(صـلی الله علیه وآله وسـلم)محسوب می شود. جهـاد که خود شورانگیزترین و سـرنوشت سـازترین حرکت عبادی مؤمنان است، درجاتی دارد و برترین این درجات در کلام نورانی امین وحی به «انتظار فرج» اختصاص یافته است.

راستی این چه

شکوه شگرفی است که در «انتظار فرج» نهفته و آن چه حماسه و شور شعوری است که چنین منزلتی شگفت به «انتظار فرج» بخشیده است؟!

انتظار و شهادت

«المنتظر لأمرنا کالمتشحّط بدمه فی سبیل اللّه.»

[۵]

تشبیه در هر زبانی از یک نوع قاعده منطقی عام پیروی می کند که تکیه بر استدلال و خِرد دارد، و تابع ذوقیات محض و هنر مطلق نیست.

تشبیه نوعی تصرّف ذوقی است امّا با قانونمندی عقلی، نوعی کاربرد هنری است امّا با شیوه ای خِردپذیر.

اگر اشک را به شبنم، و گونه های طفلی یتیم را به گلبرگ تشبیه می کنند، اولی از جهت زلالیت و طهارت و دیگری از باب لطافت و زیبایی است.

اگر دلاوران را به کوه، و فریاد بلندشان را به رعد همانند می کنند، اولی از نظر صلابت و پایمردی، و دیگری از حیث مهابت و خروشندگی است.

اینجا نیز اگر منتظران ظهور، به در خون طپیدگان راه خدا تشبیه شده اند، همه می پذیرند که باید نوعی یکسانی و همانندی بی نشان برقرار باشد. امّا از چه جهتی؟

آیا می توان پذیرفت که در این روایت نورانی، تنها وجه تشبیه بین منتظِر و سردار بخون طپیده راه خدا، در اجر و پاداش قیامت است؟

متأسّفانه مقدّمه بسیاری تحریفات در اسلام مقدّس، اکتفا به تحلیل های ساده اندیشانه عوام پرور و دریافت و القای مضامین خنثی و غیر مسئولیت آور از بخشی تعالیم حیاتی و انسان ساز اسلام است.

امری که باعث شده است تا به عنوان مثال، یکی از ناب ترین تعالیم مبارزاتی اسلام یعنی «تقیه» در چنبره سیاست دغل پیشه گان، تا حدّ گوشه نشینی و بی تفاوتی و تا مرز تسلیم و

کرنشی ذلیلانه در برابر نیروی مسلّط باطل سقوط کند. و یا توکل که یکی از عالی ترین جلوه های عرفان انسانهایی مؤمن و مدیر و سختکوش است، به یکی از ابزارهای خمودی و سستی تن پرورانِ مؤمن نما، تبدیل شود.

با توجّه به این مقدّمه، اگر در این حدیث حماسه ساز، تنها به اجر و ارزش منتظران اشاره شده و نسبت به فهم انتظار سخنی به میان نیامده باشد، در حقیقت راه تحریفی دیگر بر منحرفین گشوده گشته است.

در این صورت آنان که انتظار را دست روی دست نهادن و در خانه نشستن و دیده به در دوختن می شمارند و آنها که انتظار را تسلیم به وضعیت انحراف آلوده موجود و امیدوار بودن به وضعیت ایده آل در آینده می دانند، چه مانع و رادعی دارند که اجر شهید به خون طپیده راه خدا را، برای منتظرانی از این قبیل اثبات کنند؟

براستی در این صورت بحث هماهنگی و همخوانی کلیه تعالیم اسلامی را چگونه می توان تفسیر کرد؟

اینکه کلیه احکام و فرامین اسلام مجموعه ای هماهنگ و نظام گرفته را تشکیل می دهد و در هر زمینه ای نوعی قانونمندی واحد بر آن حکومت دارد، نشان می دهد که عظمت اجر و پاداش جز به تناسب میزان دشواری عمل و کثرت رنج در راه خدا نیست. نمی شود قبول کرد کسی که به همه تعلقاتش پشت کرده، از همه لذتها و خوشی ها دست شسته و شب و روزش را در مجاهدت و جانبازی به سر آورده، با آنکس که هر جور خواسته زندگی کرده، و هر چه دلش مایل بوده خورده و پوشیده، و

هر گونه که توانسته به لذت بردن و کامرانی پرداخته، اجری برابر داشته باشد.

این است که باید پذیرفت که این فرمایش پر ارزش امام معصوم(علیه السلام)، بیش از آنکه در صدد بیان عظمت اجر و پاداش منتظران در روز قیامت باشد، به کیفیت انتظار نظر دارد.

انتظار را نوعی مبارزه می شمارد و سختی های راه پرنشیب و فراز انتظار را خاطرنشان می سازد.

منتظِر را تلاشگری نستوه می داند که در برابر هر انحرافی می ایستد و با الهام از شیوه و آیین امام و مقتدای مورد انتظار خویش در راه اصلاح خود و جامعه اش به جهاد و مقاومت می پردازد و آنقدر می کوشد تا شایستگی همانندی و همنوایی با مجاهدان فی سبیل اللّه را بیابد و عاقبت در این مسیر به چنان اوجی دست می یابد که مثیل و نظیر شهیدان بخون خفته راه خدا گردد. و این است مفهوم انتظار!

بالِ پرواز

سایه نشینان ابر «اهل زمین» اند. آنان که پای بر خاک دارند و فراتر از خاک را تجربه نکرده اند، همانهایند که تا ابر هست از دیدار خورشید محرومند، تا ابر هست از تابش مستقیم آفتاب محرومند.[۶]

امّا آنها که بالی یا مجالی برای پرواز دارند، اگر خود پرواز کنند یا بر بال پرنده ای نشسته، دل از خاک برکنده و چند صدمتری فراتر از خاک را مشاهده کنند، به آسانی خود را در معرض نگاه مستقیم خورشید می بینند و گرمای آفتاب را بر رگ و پوست خویش لمس می نمایند.

بلکه اگر اهل پرواز و دل برکندن از خاک هم نباشند، همینکه پایی برای صعود داشته باشند و از گستره عادی زندگی

زمینی فراتر روند، چه بسا هنوز به قله کوه نرسیده، ابرها را زیر پای خویش ببینند و جمال دلا رای خورشید را، بر بالای سر خود نظاره کنند.

منتظرانِ حضرت مهدی(علیه السلام)، آن خورشید همیشه فروزان منظومه هستی، چنین حالی دارند. تا آن زمان که دلبستگان به خورد و خواب و خانه و خلوتِ خویشند از دیدار محرومند، اگر چه خود را از منتظران بدانند و برای رسیدن روزی آفتابی، در پی بر طرف شدن ابرهای تیره غیبت، لحظه شماری کنند.

امّا آنگاه که پای در راه خویشتن سازی و دیگر سازی می نهند و صخره های سخت حوادث و ابتلاءات دوران غیبت را یکی پس از دیگری در می نوردند، دیری نمی پاید که به قله ای آفتاب گرفته دست می یابند و جلالت بی مثال خورشید عالم افروز زاده زهرا را به تماشا می نشینند.

لکن خوشا به حال آنان که عرفان و سوز و مجاهدت شان، بال پروازشان است و دنیای حقیر و متاع قلیل، دل آسمانی شان را هرگز تسخیر نمی کند. راستی آنان در آن اوج فراتر از اینهمه ابری که فضای زندگی ما را پوشانده است، چه می بینند؟!

انتظار بهار و باران!

شناخت شخص مورد انتظار و آگاهی نسبت به ویژگی ها و عملکردهای او، در کیفیت انتظار مؤثر است. همین که منتظر بداند در انتظار کیست و پس از به سر آمدن انتظار با چگونه انسانی روبرو خواهد شد و در چه اقداماتی با او همراه خواهد بود، در نحوه آمادگی او و آماده سازی محیط او تأثیرگذار است.

همینکه منتظر بداند مولای منتظرش «بنده راستین خدا» [۷] و «خلیفه حقیقی او» و «حجّت واقعی»

اوست و جز او را نمی پرستد و جز بر طبق اراده او حکم نمی کند و مردم را جز به سوی او فرا نمی خواند کافیست تا مرام و سکوت منتظِر را سمت و سویی خدایی ببخشد.

همینکه بداند او «شریک قرآن» و «احیاگر قرآن» است، کافی است تا هیچگاه قرآن را مهجور قرار ندهد و از انس با آیات و مضامین شریفه آن بی نصیب نماند.

همینکه بداند او «حیاتبخش سنّت های الهی» و «عامل بی چون و چرای سنن پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)» است، کافی است تا هرگز سنّت های خدا و پیامبر را به فراموشی نسپارد و سریره و سیرت خود را جز مبنای چنین سنّتهایی سامان نبخشد.

همینکه بداند او «دروازه هدایت» و «راه بی انحراف» و «نور خاموشی ناپذیر» و «راهنمای به سوی خدا» است، کافی است تا هرگز تن به ضلالت و ظلمت گمراهی ندهد و زیر پرچم داعیان دروغین به راههای شیطانی کشیده نشود.

همینکه بداند او «حافظ اسرار الهی» و «گنجینه علوم پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)» و «ابراز کننده حکمتها» و «تجسم کتاب خدا» و «مظهر دانشهای فرو ریزنده پروردگار» است، کافی است تا در جهالت ننشیند و بردیده بصیرت خویش حجابی را نبندد.

همینکه بداند او «قیام کننده به عدالت» و «از بین برنده ستم و تجاوز» و «درهم کوبنده کاخ عزّت مستکبرین» است کافی است تا در مقابل بی عدالتی ها بی تفاوت نماند و روحیه ستم ستیزی را همواره در خود زنده نگه دارد.

همینکه بداند او «سرپرست و دوستدار مؤمنان» و «عزت دهنده اولیاء» و «احیاگر اهل دین» و «ذخیره شده برای کرامت بخشیدن به دوستان

خـدا»ست، کـافی است تـا هرگز در حق هیـچ مؤمنی بی حرمتی روا نـدارد، و به حقوق شـان تجـاوز نکنـد و در دفـاع از آنـان کوتاهی نورزد.

همینکه بداند او «پرچم هدایت» و «کشتی نجات» و «خورشید شب شکن» و «روشنی بخش تاریکی ها» و «روشن سازنده حق و حقیقت هـا»ست، کـافی است تا در فتنه های پیاپی روزگار غیبت راه را گم نکنـد، در موج خیز حادثه جان نبازد، تسـلیم شـب نشود، در تاریکی نماند و باطل را به جای حق نپذیرد.

مگر می شود در انتظار «بهار امّت» بود و تسلیم یأس پاییز شد؟!

مگر می شود در انتظار «سرسبزی روزگاران» بود و در فصل برگ ریزان از پا نشست؟!

مگر می شود در انتظار «باران و رحمت بی منتهای الهی» بود و از تشنگی جان داد؟!

مگر می شود در انتظار «چشمه زندگی» بود و مرگ ذلّت بار را پذیرفت؟!

هرگز ....!

در جستجوی فضیلتها

آنان که در تاریـخ براساس وحی یا الهام یا نگرشـی اصـلاح طلبانه دم از مدینه فاضـله ای زده اند، شاید خود نیز به وضوح می دانسـته اند که تحقق چنان مدینه ای حداقل در شـرایط موجود جامعه و وضعیت حاکم بر توده های آن روزگاران اگر ناممکن نباشـد، حـداقل بسـیار دور از دسترس است. بـا اینهمه از هیـچ تلاشـی در تبیین دیـدگاه خود نسـبت به چنین مطلوبی فروگـذار نکرده و از هیچ وسـیله ای در ایجاد شوق مردمان نسبت به آن غافل نبوده و از تحمّل هیچ رنجی در سوق دادن جامعه به سمت تحقق آن آرمانها شانه خالی نکرده اند. بلکه برعکس همه این رنج و تلاش را در برابر انگیزش و خیزش و حرکت مردم

در این راستا هر چند مختصر و نافرجام مقدّس شمرده به جان خریده اند.

اینجاست که رهبران اسلامی از شخص پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)تا هر یک از معصومین(علیهم السلام)به انگیزه بیدارسازی نیروی خداجویی و کمال طلبی انسان و واداشتن او به حرکت در راه خدا و ایجاد پویایی و تلاش در او، به خاطر آماده سازی زمینه های مساعد جهت اجرای اراده خدا در همه هستی، همواره از دورانی سخن گفته اند که نقطه اوج این بیداری و سرفرازی است، و آخرین مرحله کمال انسان مؤمن به خدا، و آخرین فصل کتاب خلیفه اللّهی در روی زمین، و آخرین برگ از صحیفه تقدیر خداوندی در رشد خداگونگی انسان است.

و بدینگونه است که سخن گفتن از پیامدهای ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)و دستاوردهای قیام جهانی او، به نوعی سخن از انتظار گفتن و بیان حال منتظران نمودن است.

اگر فرموده اند:

«در دوران پس از ظهور در هیچ جای زمین غیر خدا پرستش نمی شود، بندگی خدا عالمگیر می گردد و تمام دین و مرامنامه زندگی عالمیان از آن خدا خواهد بود.» [۸]

و اگر فرموده اند:

«خدا به وسیله امام زمان(علیه السلام) تمام زمین را از هر ستمی تطهیر خواهد کرد و آن را از هرگونه بی عدالتی منزّه خواهد ساخت و او در میان مردم میزان عدالت برپا می دارد و در پناه حکومت او هیچ کس به دیگری ظلم نمی کند.» [۹]

و اگر فرموده اند:

«خدا به دست حضرت مهدی(علیه السلام)، هر گردن فرازِ معاندی را به خاک مذلّت می نشاند و هر شیطان مستکبری را به هلاکت می رساند.» [۱۰]

و اگر فرموده اند:

«در زمان حضرت مهدی(علیه

السلام)، همگی شما به زیور حکمت و دانش آراسته می شوید، تا جایی که هر زنی در خانه خویش برطبق کتاب خدای تعالی و سنّت پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) حکم می کند.» [۱۱]

و اگر فرموده اند:

«آنگاه که قائم آل محمّد(صلی الله علیه وآله وسلم) قیام کند، دوستی و صمیمیت در بین مردم ایجاد می شود. به حدّی که هر دوستی مبلغ مورد نیاز خود را از کسیه دوستش بر می دارد و او ممانعت نمی کند.» [۱۲]

و اگر فرموده اند:

«قائم ما که قیام نماید، آسمان با نزول بارانش و زمین با رویاندن گیاهانش، زمین را غرق نعمت خواهند ساخت و کینه و بدخواهی از دلهای بندگان خدا رخت بر خواهد بست.» [۱۳]

و اگر فرموده اند:

«در دوران حکومت مهدی(علیه السلام)، بندگان خدا در روی زمین به معصیت و نافرمانی او نمی پردازند.» [۱۴]

و اگر فرموده اند : ...

همه اینها بشارتهایی است که در ضمن تبیین ویژگی های دوران پس از ظهور، بیانگر آرمانها و ایده آل های پیشوایان دین در تحقق جامعه ای مبتنی بر وحی و ولایت است.

این نویدهای امید آفرین نشان می دهند که پیامبر بزرگوار اسلام و امامان معصوم(علیهم السلام) در پس آن همه رنج و تلاش و شکیبایی و مبارزه خویش، از مردم چه می خواسته اند و در جستجوی چه موقعیت هایی بوده اند.

مگر نه این است که مهدی(علیه السلام) تحقق بخش اهداف همه انبیاء و اولیای الهی و عمل کننده همه خواسته ها و وعده های خدا و پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)است. پس منتظران مهدی(علیه السلام) نیز هر چه توان دارند در همین راستا به کار می

گیرند.

«حاکمیت توحید در گیتی»، «جهانی شدن آیین بندگی خدا»، «غلبه دین اسلام»، «پاکسازی دنیا از ستم و بی عدالتی»، «برپایی میزان عدالت»، «زبونی مستکبران و نابودی شیطان صفتان»، «فراگیر شدن حکمت و دانش دینی»، «برادری و یکرنگی عمومی»، «رحمت همگانی و برطرف شدن کینه ها»، «دوری از گناه و معصیت» و دهها عنوان دیگر که در صدها حدیث مشابه آنچه قبلاً ذکر شد، عناوینی نیستند که فقط در دوران پس از ظهور مطلوبیت و محبوبیت داشته باشند و یا فقط امام زمان(علیه السلام)در صدد عملی ساختن آنها بوده باشد، اینها همگی گمشده های یک جامعه آرمانگرای تشکیل شده بر اساس «توحید» و «رسالت» و «امامت» است و یک منتظر واقعی، جستجوگر همین گمشده هاست.

یک منتظر و یا حتی مجموعه منتظران اگر چه قادر به ساختن چنین جامعه ای نباشند که نیستند، هرگز از این ایده ها و نویدها صرفنظر نمی کنند و آسوده خاطر نسبت به هر چه در جامعه می گذرد بی تفاوت نمی مانند، بلکه همواره چشم به همین هدفها می دوزند و از هر چه در توان دارند نسبت به سوق دادن خود و خانواده و جامعه عصر غیبت به سمت این ایده آل ها مایه می گذارند. نسبت به دور شدن خود یا جامعه از این معیارها حساسیت به خرج می دهند و در برابر انحرافات بر می آشوبند و سوز و شوری را که لازمه انتظار حقیقی است فدای مصلحت جویی ها و عافیت طلبی ها نمی کنند.

درجات انتظار

روزه داران واقعی چگونه اند؟ شب زنده داران سحرخیزی که به نیت قرب الهی دست از خوردن و آشامیدن و بسیاری لذّت

های حلال دیگر کشیده اند، بندگان با اخلاصی که زبان و چشم و گوش و دست و حتّی دلشان را در محدوده فرمان خدای تعالی از هر چه ناخوشایند اوست باز داشته اند، ایمان آوردگان صادقی که یاد محرومان مجال کامرانی را از آنان گرفته و ذکر قیامت فرصت گناه و نافرمانی را از ایشان سلب کرده است، از طلوع فجر تا غروب خورشید چه حالی دارند؟ حال منتظران نیز همانگونه است! آنان در پیشگاه خدا چه اجری دارند؟ پاداش منتظران نیز همانند اجر آنان است! [۱۵]

همنشینان امام زمان(علیه السلام) چگونه اند؟ سعادتمندانی که توفیق دیدار یافته اند، امتحان شدگانی که لیاقت همنشینی با امام خویش را به اثبات رسانده اند، یاران با وفایی که به خاطر اوج ایمان و تقوی و ولایت شان شرافت حضور در خیمه قائم(علیه السلام)را پیدا کرده اند، در کنار مولا و مراد خویش چه حالی دارند؟ حالِ منتظران نیز همانگونه است!

آنان چه آدابی را مراعات می کنند؟ در نشست و برخاست ها و در سکوت و سخن گفتن های شان چه مراقبت هایی دارند؟

آداب و سلوک منتظران نیز همانند آداب و سلوک آنان است! [۱۶]

جنگاوران رکاب مهدی(علیه السلام) چگونه اند؟ رزم آوران خدا جویی که به عنوان جنود الهی برگزیده شده اند، جهادگران پیروزی که پس از عمری مجاهده با شیطان و هوس در زمره یاوران سپاه ایزدی امام قائم(علیه السلام) در آمده اند، پیکارجویان افتخار آفرینی که شمشیر برکف در رکاب امام نور بر صف ظلمت زدگان سپاه شرک و کفر و ستم تاخته اند، در زیر پرچم سردار لشکر توحید چه حالی دارند؟ حال منتظران نیز همانگونه

است!

حرکت و حمله و جنگ و جهادشان به فرمان امام مجاهدین چگونه است؟ تلاش و مبارزه منتظران نیز همانند تلاش و مبارزه آنان است [۱۷]!

شاهدان شهید سپاه رسول اللّه(صلی الله علیه وآله وسلم)چگونه اند؟ به خاک افتادگان مجروحی که در دفاع از پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)تا پای جان جنگیده اند، به خون غلطیده گانی که برای خدا و به عشق رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) از همه چیز و همه کس دست شسته و در آخرین لحظات حیات، چشم انتظار نگاه عطوفت و دست نوازش او، دیده به میانه میدان دوخته اند، مرغان شکسته بال و خونین پری که سر بر دامان پیامبر رحمت نهاده و با امداد از لبخند رضایت او، اجازه پرواز به باغ عطرآگین ملکوت یافته اند، چه حالی دارند؟ حال منتظران نیز همانگونه است!

ارزش آنان در تاریخ، اهمیت آنان در بقای دین، اعتبار آنان در نزد پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) و اجر و مقام آنان در نزد خدا چقدر است؟ ارزش و اهمیت و اعتبار و اجر و مقام منتظران نیز همانند ارزش و اهمیت و اعتبار و اجر و مقام آنان است! [۱۸]

و اینگونه احادیث، خود بالاترین گواه بر میزان درجات منتظران است. درجاتی که از همسانی با درجات روزه داران شروع می شود و تا بی نهایت ادامه می یابد. بی نهایتی که تنها «عنداللّه» تحقق می یابد، فقط در نزد خدا عملی می شود.

«اَحْیاءٌ عند ربّهم یرزَقُونَ».

[۱۹]

اگر چه در نگاهی عمیق تر همه درجات منتظرین در محدوده بی نهایت ها و خارج از حیطه درک و فهم ماست. زیرا در اولین درجه آنان نیز که

مقام روزه داران است، خدا فرمود:

«الصوم لی و أنا اجزی به.»

[۲۰]

روزه داران واقعی چگونه اند؟

شب زنده داران سحرخیزی که به نیت قرب الهی دست از خوردن و آشامیدن و بسیاری لذّت های حلال دیگر کشیده اند، بندگان با اخلاصی که زبان و چشم و گوش و دست و حتّی دلشان را در محدوده فرمان خدای تعالی از هر چه ناخوشایند اوست باز داشته اند، ایمان آوردگان صادقی که یاد محرومان مجال کامرانی را از آنان گرفته و ذکر قیامت فرصت گناه و نافرمانی را از ایشان سلب کرده است، از طلوع فجر تا غروب خورشید چه حالی دارند؟ حال منتظران نیز همانگونه است! آنان در پیشگاه خدا چه اجری دارند؟ پاداش منتظران نیز همانند اجر آنان است! [۱۵]

پاورقی

[۱۵]

«انّ المنتظر لهذا الامر له مثل اجر الصائم.»

بحار، ج ۷۵، ص ۷۳.

همنشینان امام زمان چگونه اند؟

سعادتمندانی که توفیق دیدار یافته اند، امتحان شدگانی که لیاقت همنشینی با امام خویش را به اثبات رسانده اند، یاران با وفایی که به خاطر اوج ایمان و تقوی و ولایت شان شرافت حضور در خیمه قائم(علیه السلام)را پیدا کرده اند، در کنار مولا و مراد خویش چه حالی دارند؟ حالِ منتظران نیز همانگونه است!

آنان چه آدابی را مراعات می کنند؟ در نشست و برخاست ها و در سکوت و سخن گفتن های شان چه مراقبت هایی دارند؟

آداب و سلوک منتظران نیز همانند آداب و سلوک آنان است! [۱۶]

پاورقی

[۱۶] قال الصادق(علیه السلام) : من مات منکم و هو منتظره لهذا الامر کمن هو مع القائم فی فسطاطه ثم مکث هنیئةً ثم قال: بل کمن قارع معه بسیفه . ثم قال: لا و الله ، لیس الاّ کمن استشهد مع رسول اللّه(صلی الله علیه وآله وسلم). بحار

الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

جنگاوران رکاب مهدی(ع)چگونه اند؟

رزم آوران خـدا جویی که به عنوان جنود الهی برگزیـده شـده انـد، جهادگران پیروزی که پس از عمری مجاهـده با شـیطان و هوس در زمره یاوران سپاه ایزدی امام قائم(علیه السلام) در آمده اند، پیکارجویان افتخار آفرینی که شمشیر برکف در رکاب امام نور بر صف ظلمت زدگان سپاه شرک و کفر و ستم تاخته اند، در زیر پرچم سردار لشکر توحید چه حالی دارند؟ حال منتظران نیز همانگونه است!

حرکت و حمله و جنگ و جهادشان به فرمان امام مجاهـدین چگونه است؟ تلاش و مبارزه منتظران نیز هماننـد تلاش و مبارزه آنان است [۱۷]!

پاورقی

[۱۷] مدرک پیشین و نیز منتخب الاثر، ص ۴۹۵.

شاهدان شهید سپاه رسول اللّه(صلی الله علیه وآله وسلم)چگونه اند؟

به خاک افتادگان مجروحی که در دفاع از پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)تا پای جان جنگیـده اند، به خون غلطیده گانی که برای خـدا و به عشق رسول خـدا(صلی الله علیه وآله وسلم) از همه چیز و همه کس دست شسـته و در آخرین لحظات حیات، چشم انتظار نگاه عطوفت و دست نوازش او، دیـده به میانه میدان دوخته اند، مرغان شکسـته بال و خونین پری که سر بر دامان پیـامبر رحمت نهـاده و بـا امـداد از لبخنـد رضـایت او، اجـازه پرواز به بـاغ عطرآگین ملکوت یافته انـد، چه حالی دارنـد؟ حال منتظران نیز همانگونه است!

ارزش آنان در تاریخ، اهمیت آنان در بقای دین، اعتبار آنان در نزد پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) و اجر و مقام آنان در نزد خـدا چقـدر است؟ ارزش و اهمیت و اعتبـار و اجر و مقام منتظران نیز هماننـد ارزش و اهمیت و اعتبار و اجر و مقام آنان است! [۱۸]

و اینگونه احادیث، خود بالاترین گواه

بر میزان درجات منتظران است. درجاتی که از همسانی با درجات روزه داران شروع می شود و تا بی نهایت ادامه می یابد. بی نهایتی که تنها «عنداللّه» تحقق می یابد، فقط در نزد خدا عملی می شود.

«اَحْیاءٌ عند ربّهم یرزَقُونَ».

[۱۹]

اگر چه در نگاهی عمیق تر همه درجات منتظرین در محدوده بی نهایت ها و خارج از حیطه درک و فهم ماست. زیرا در اولین درجه آنان نیز که مقام روزه داران است، خدا فرمود:

«الصوم لی و أنا اجزی به.»

[۲۰]

پاورقی

[۱۸] مدرک پیشین و نیز منتخب الاثر، ص ۴۹۸.

[۱۹] سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

[۲۰] بحارالأنوار، ج ۷۳، ص ۱۲.

شناخت امامت و امام

چشم انتظاری جز بر پایه شناخت میسّر نیست. ابتدا باید رهبری مبتنی بر وحی و عصمت را شناخت و به لزوم آن معتقد بود تا بتوان خود را برای استقرار و پذیرش آن آماده ساخت . چنانکه ابتدا باید نسبت به رهبر معصوم و امام منصوب از طرف خدا و پیامبر، معرفت پیدا کرد تا بتوان در دوران غیبتش به امید زمان ظهورش به اطاعتش برخواست . و بدینگونه است که امام باقر(علیه السلام)این ویژگی را قبل از انتظار بیان می فرماید:

«العارف منکم هذا الأمر المنتظر له .... کمن جاهد.»

[۲۱]

«از میان شما هرکس که این امر را بشناسد و در انتظار آن باشد، بمنزله جهادگران است.»

و نیز از این روست که امام سجاد(علیه السلام) اعتقاد به امامت را پیش از انتظار بیان می دارد:

«اِنّ اهلَ زمان غیبته القائلون بامامته، المنتظرون لظهوره، فضل اهل کل زمان»

[۲۲]

«همانا مردم دوران غیبت امام زمان(علیه السلام)که به امامت و پیشوائی او معتقد باشند و در انتظار ظهورش بسر برند،

برتر از مردم هر دوران دیگرند.»

پرهیزکاری

معیار و اساس کرامت در اسلام چیزی جز پرهیزکاری و دوری از گناه نیست.[۲۳]

پس اگر قرار باشد انتظار فرج و دیده به راه حاکمیت اسلام و قرآن دوختن، فضیلت و کرامت مؤمنین به شمار آید، هرگز خارج از مدار تقوی نمی تواند باشد. اجر و مقام منتظران اگر همپایه جهادگران در رکاب پیامبر(صلی الله علیه وآله)و شهیدان بخون فتاده در برابر او قرار می گیرد، به یقین چنین درجه و پاداشی جز در سایه جهاد با نفس و پیروزی بر شیطان درون و پرهیز از گناه و معصیت دست یافتنی نیست.

دامن آلودگانِ به خباثت گناه، اگر در فراق یار به ظاهر، خون از دیده ببارند بازهم در شمار منتظرین نیستند.

آشنایان با لذّتهای شیطانی و کامرانی های نفسانی، اگر در هجر یار عمری را ناله برآورند بازهم به ساحت یزدانی انتظار راه نمی یابند.

و بدین خاطر است که امام صادق(علیه السلام) دوری از گناه را همراه و همدوش انتظار شمرده است:

«اجتناب المحارم و انتظار الفرج.»

[۲۴]

و در جای دیگر انتظار و پرهیزکاری را در کنار هم، شرط یاری امام زمان(علیه السلام) قرار داده است:

«من سرّ أن یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر.»

[۲۵]

«هرکس شادمان می شود به اینکه از یاوران حضرت قائم(علیه السلام) باشد، پس انتظار بورزد و بر اساس تقوی و خوش خلقی رفتار نماید، در حالیکه منتظر است.»

قابل دقت است که نفرموده «پرهیزکار باشد»، بلکه فرموده «براساس پرهیزکاری عمل کند».

پرهیزکاران منتظر اهل فرار از صحنه های عمل و مسئولیت نیستند. به بهانه پرهیزکاری راکد و ساکن نمی نشینند، بلکه پرسوز و پرتوان

مسئولیت می پذیرند و به میدان کار و فعالیت های اجتماعی قدم می نهند، امّا همواره مواظب و مراقبند که مبادا در دام گناه گرفتار آیند یا قدم در محدوده گناه و نارضایتی خداوند نهند.

اخلاق شایسته

منتظران امام زمان(علیه السلام) که اورا مظهر کامل اخلاق ربّانی و آئینه تمام نمای آداب الهی می دانند، چگونه ممکن است اخلاقی زشت و آدابی ناپسند داشته باشند؟ آنان که امام منتظر خویش را همچون جدّ بزرگوارش پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)تکمیل کننده مکرمت های اخلاقی می شمارند و ظهور حکومت او را استمرار بعثت پیامبر(صلی الله علیه وآله) در اوج بخشیدن به فضیلت های معنوی به شمار می آورند، چگونه است سریره و سیرتی رذیلانه داشته باشند؟

در حدیثی که اندکی پیشتر درباره همدوشی و همراهی انتظار و ورع ذکر شد، خوش خلقی نیز به عنوان عاملی تعیین کننده در کسب افتخار یاوری قائم(علیه السلام) به شمار آمده بود .

«آن کس که می خواهد در زمره اصحاب حضرت مهدی(علیه السلام) در آید باید که منتظر باشد و در عین منتظر بودن، بر اساس ورع عمل نماید و دارای خُلق و خوئی پسندیده و نیکو باشد.» [۲۶]

و نیز در همین مورد است کلام دیگر آن بزرگوار که معاشرت نیکو و برخورد خوب با همسایگان را از ویژگیهای منتظران می شمارد:

«و انتظار الفرج بالصبر و حسن الصحبه و حسن الجوار.»

نیکو کاری

امام باقر(علیه السلام) می فرماید:

«المنتظر له المتحسب فیه الخیر.»

«کسی که دیده به راه اوست، نیکوکاری خویش را به حساب او نهد.» [۲۸]

چه مقارنت زیبایی بین این دو صفت وجود دارد! انتظار و نیکوکاری به حساب منتظَر!

آنکس که منتظر واقعی امام زمان(علیه السلام)است هم از او رنگ می گیرد و هم خود را فانی در او می بیند! اگر به نیکوئی و نیکوکاری رو می کند، به اقتضای انتظارش رو می کند و اگر عمل خیر و کار

شایسته ای از او سر می زند، آن را از خودش نمی بیند، بلکه خودش را هم نمی بیند و هرچه خیرات در وجودش هست به سرچشمه نسبت می دهد.

فرمان پذیری

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

«طوبی لشیعه قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبته و المطیعین له فی الظهوره»

[۲۹]

«خوشا به حال شیعیان قائم ما(علیه السلام)! که در دوران غیبت او چشم انتظار ظهورش و در دوران ظهورش سرنهاده به فرمانش هستند.»

«انتظار در غیبت» و «اطاعت در ظهور» وصف دو گروه متمایز جدا از یکدیگر نیست، بلکه هر دو صفت، بیانگر چگونگی وضع و حال یک گروه است.

اطاعت کنندگان امام در ظهور، همانهایند که در غیبت انتظار کشندگان او بودند و چشم انتظاران امام در غیبت، همانانند که در ظهور مطیع فرمانهای اویند.

اصلا برای شیعیان حقیقی، فرقی بین غیبت و ظهور امام زمان(علیه السلام)نیست. آنها حتی در غیبت هم خود را در حضور می بینند. فرمان پذیری آنان به گونه ای است که هر لحظه غیبت برای شان به منزله مقدمه ظهور است. آنگونه زندگی می کنند که هر زمان امام شان ظاهر گشت، آنان را گوش به فرمان ببیند و تا پای جان آماده اطاعت بیابد.

قوّت عقل و اندیشه و فزونی درک و دانش

امام زین العابدین(علیه السلام) در بیان علّت برتری مردمان زمان غیبت، نسبت به مردم سایر دورانها می فرماید:

«لأنّ الله تعالی ذکرُه اعطاهم من العقول و الأفهام و المعرفه ماصارت به الغیبه بمنزله المشاهده.»

[۳۰]

«زیرا خدای تعالی آنقدر از عقل و اندیشه و دانش به آنان بخشیده که غیبت در نظر آنان به منزله مشاهده و حضور درآمده است.»

در این ویژگی چهار نکته قابل تأمل وجود دارد:

یکی اینکه این امتیاز به همه مردم در عصر غیبت داده نشده بلکه اختصاص به شیعیان حضرت مهدی(علیه السلام) و منتظران او

دارد، چنانکه امام سجّاد(علیه السلام)تصریح می فرماید:

«القائلون بامامته المنتظرون الظهوره.»

[۳۱]

دیگر اینکه این قوّت و فزونی عقل و

دانش، وابسته به عطای خداوند است. فیض و رحمت اوست که چنین قدرت و رشدی را در اندیشه و فهم مردم ایجاد می کند. بنابراین باید پذیرفت که آنچه خارج از دایره فیض و عطای الهی است عقل و معرفت به شمار نمی آید. اگرچه بیگانگان آنرا جزو افتخارات فلسفه و علم خود به حساب آورند. ویا حداقل باید قبول کرد که عقل و دانش شیعیان تعریفی متمایز از تعریف علم و خرد ما دیگران و اغیار، و محدوده ای به مراتب فراتر از آن دارد.

سوّمین نکته اینکه عطای الهی هرگز به معنی اشراقی معجزه آسا و بدور از اسباب نیست و هیچ منافاتی با سعی و تلاش شیعیان منتظر در راه کسب معارف و تقویت بنیانهای خود ندارد. بلکه برعکس انگیزه ها کوششِ بیشتر و پویایی عمیق تر در این راه را تقویت می نماید، زیرا عطای الهی همچون باران رحمتی است که اگر بر زمین شخم زده و آماده، و بر بذرهای پاشیده و آفت نزده نازل گردید ثمربخش و حیات آفرین و پربرکت و اعجاب انگیز است.

چهارمین نکته اینکه ثمره چنین قدرت و رشدی در عقل و دانش منتظران، یکسان دیدن غیبت و ظهور، و برخورد همگون بانهانی و پیدائی امام زمان(علیه السلام) است، که این خود سر فصل بحثی گسترده پیرامون کیفیت مسئولیت پذیری و انجام وظایف آنان به شمار می آید و مجالی وسیع تر می طلبد.

ولایت و برائت

دوستِ دوست، دوست است و دشمنِ دوست ، دشمن.

دوستِ دشمن، دشمن است و دشمنِ دشمن، دوست.

این قانون اگر چه قانونی مطلق نیست غالبیت دارد.

با اینهمه ولایت و دوستی نسبت به دوستان و موالیان

امـام زمـان(علیه السـلام) و عـداوت و دشـمنی نسـبت به دشـمنان و مخالفـان او یـک تکلیف است و از ویژگی های شـیعیان و منتظران او به شمار می رود.

یک شیعه منتظر باید دوست مولایش را دوست بدارد، اگر چه دوست خودش به حساب نیاید.

و باید از دشمنِ امامش بیزاری جوید، اگر چه دشمن خودش محسوب نگردد.

یک منتظر حقیقی بایـد با بیگانه ترین اشـخاص احساس دوستی کند، آنجا که او را در خط امام خود سـر نهاده به فرمان او می بیند. و باید از آشناترین کسان حتی از پدر و برادر خویش دوری جوید و احساس تنفر نماید، آن زمان که او را در ستیز با امام خود و پیوسته با مخالفان او می یابد.

که اگر چنین شد افتخار رفاقت با پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)را درک می کند. چنانکه خود آن بزرگوار فرمود:

«طوبی لمن ادرک قـائم اهـل بیـتی و هو یـأتمّ به فی غیبته قبـل قیـامه و یتولی اولیـائه و یعـادی أعـدائه ذاک من رفقـائی و ذوی مودّتی و اکرم أمّتی علی یوم القیامه.»

[۳۲]

«خوشا به حال آنکس که قائم اهل بیت مرا درک نمایـد، در حالیکه قبل از قیام او در زمان غیبتش پیرو او بوده و دوسـتانش را دوست داشـته و با دشمنانش به دشمنی برخاسته باشد. چنین شخصی از رفیقان و همراهان من و مورد محبت و مودت من است و روز قیامت در زمره گرامی ترین افراد امت من محشور می شود.»

اخلاص

اخلاـص، کمال توحیـد است، رمز قبولی طاعات است، وجه مشترک همه عبادات است، راز در امان مانـدن از وساوس شـیطان است، کلید نجات است، راه رهایی از زندان نفس و

دام شیطان و عذاب قیامت است، اخلاص خلاصه دین است، روح انتظار است.

آنـان که منتظران واقعی امـام زمان(علیه السـلام) و شـیفتگان صادق دیـدار اوینـد، مخلصان حقیقی درگاه خداوندنـد. از همین روست که امام سجاد(علیه السلام)فرموده است:

«المنتظرون لظهوره ... اولئك المخلصون حقاً و شیعتنا صدقاً.»

[۳۳]

«آنان که منتظران ظهور او هستند ... مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما هستند.»

بـدون اخلاـص نمی توان سـختی هـای دوره غیبت را تحمّل کرد، نمی توان در مقابل فتنه های کمر شـکن مقاومت کرد، نمی توان بر انتظار پافشاری کرد.

امام باقر(علیه السلام) فرمود:

«یخرج بعد غیبه و حیره لایثبت فیها علی دینه اِلّا المخلَصون المباشرون لروح الیقین.»

[۳۴]

«حضـرت مهدی(علیه السلام) پس از غیبت و حیرتی ظهور می کند که در آن جز مخلصین و دارندگان یقین بر دین ثابت قدم نمی مانند.»

به راستی اگر اخلاص نمی بود آن همه جدّ و جهد و مبارزه و رویارویی با مرارت و محرومیت و مظلومیت در راه انتظار، را به چه حسابی می شد به جان پذیرفت؟

امـام جواد(علیه السـلام) در کلاـمی طولاـنی وقتی سـخن از انتظـار به میـان می آورد، از «منتظران» ظهور حضـرت مهـدی(علیه السلام)به تعبیر بلند و زیبای «مخلصین» یاد می فرماید:

«فینتظر خروجه المخلصون»

«صبر و استقامت»

شبهه های تردید آفرین و مشـکلات فراوان و فشارهای گوناگونی که از سوی مخالفین اسـلام و ولایت بر شـیعیانِ چشم انتظار وارد می آید و حیرت و بی پناهی آنان آنچنان طاقت فرسا و شـکننده است که برای منحرف نشدن و ناامید نگشـتن و از انتظار دست برنداشتن، استقامتی چون کوه و صبری همچون صبر ایوب بایسته است.

لغزیدن و از راه منحرف شدن، مأیوس گشتن و از صف منتظرین بیرون رفتن،

از مبـارزه دست کشـیدن و به خیـل بی تفاوتـان پیوسـتن، بر ظهور دیـده فرو بسـتن و به روز مرّگی و نـان به نرخ روز خوردن، سرنوشت محتوم غیر صابرین است.

بی جهت نیست که رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم)می فرماید:

«طوبی للصّابرین فی غیبته! طوبی للمقیمین فی محبّته!».

[۳۶]

«خوشا به حال صبر کنندگان در دوران غیبت مهدی(علیه السلام)! خوشا به حال پابرجایان در مقام محبت او!»

و در جای دیگر دست به دعا برداشت و عرض کرد:

پروردگارا برادرانم را به من بنمایان!

یکی از یاران پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) که در جمع حاضر بود گفت: آیا ما برادران شما نیستیم ای رسول خدا!؟

آن حضرت فرمود:

نه! شما اصحاب من هستید. و برادران من قومی در آخر زمان هستند که به من ندیده ایمان آورند...

و بعد چونانکه بخواهد سرّ اینهمه تکریم و تعظیم را بنمایاند از استقامت و صبرِ سختِ منتظران فرمود:

«لأحدهم أشدّ بقیه علی دینه من خارط القتاد فی اللّیله الظّلماء أوکالقابض علی جمرالغضا اولئک مصابیح الدجی.»

[۳۷]

سختی اسـتقامت هر یک از آنان بر دین خود، بیشتر از سـختی کسـی است که در شبی ظلمانی بخواهد بوته خاری را با دسـت خود از خار بپیرایـد، یا کسـی که بخواهـد ذغال گـداخته سوزانی را در مشت نگهدارد. آنان چراغهای فروزان شـبهای ظلمانی اند.

تبلیغ و دعوت

تبلیغ پیـام ولایـت و دعوت به اطاعت خـدا و پیامبر و امام، جلوه با شـکوه انتظار منتظران است. آنکس که چشم انتظار دولت با شکوه امـام زمـان(علیه السـلام)اسـلام است و به آمیزه نورانی دنیـا، در پناه حاکمیت قرآن و دین چشم دوخته است، هرگز این همه را برای نجات شخص خویش نمی طلبد و تنها به فکر سعادت

و بهروزی خود نیست، بلکه به نجات و رهایی همه انسانها، همه مستضعفین، همه گمراهان می اندیشد و به سعادت همه بندگان خدا دل بسته است. چنین کسی نه در دوران و نه در زمان ظهور نمی تواند نسبت به دعوت و تبلیغ دیگران بی تفاوت باشد.

در دوره غیبت هر جا گمراهی را می بیند و معصیت کاری را مشاهده می کند می سوزد و در راستای هدایت او هر چه از دستش برآید انجام می دهد. او نه تنها آلودگی و گمراهی مردم را تاب نمی آورد بلکه بر کم توجّهی آنان به ساحت مقدّس مولایش نیز آزرده خاطر و ناراحت می شود:

در دعای ندبه می خواند:

«عزیز عَلَی أن أبکیك و یخذلك الوری.»

«مولای من ... بر من دشوار است که بر تو بگریم امّا دیگران تو را وا نهند و در فراقت احساس تأثّر و اندوه نکنند.»

منتظران امام زمان(علیه السلام) در دوره غیبت نه تنها از گروه بی تفاوت ها و گوشه نشین ها نیستند و بر رفتار گناه آلوده بندگان خدا و انحرافات جامعه خود بی خیال و بی احساس نمی گذرند، بلکه شب و روز در تلاش هدایت و دعوت دیگران به سر می برند و در پیدا و پنهان به کار تبلیغ فرهنگ ولایت و انتظار به بی خبران و غفلت زدگان اشتغال دارند.

امام سجاد(علیه السلام) می فرماید:

«المنتظرون لظهوره ... الدعاه الی دین اللّه سراً و جهراً.»

[۳۸]

«منتظران ظهور مهدی(علیه السلام) ... در پیدا و پنهان دعوت کنندگان به دین خدایند.»

آمادگی و آماده سازی

اینکه زمان ظهور و پایان یافتن غیبت حضرت مهدی(علیه السلام) از امور غیبی شمرده شده، و اینکه خداوند امر فرج او

را بناگهان در یک شب امضاء خواهد فرمود، و اینکه ما را در هر صبح و شام به انتظار فرج فرمان داده اند، همگی برای حفظ آمادگی همیشگی در جهت پاسخگویی به ندای یاری خواهی آن امام بزرگوار می تواند باشد.

شیعه ای که می خواهد از جمله یاران امام خویش باشد، منتظری که می خواهد در زمره رزمندگان رکاب مولای خود به حساب آید، رزمنده ای که می خواهد، محض ورود فرمانده، دوشادوش او و پابپای او در فتح همه کاخهای ستم و افراختن پرچم اسلام بر فراز همه بامهای جهان سهیم باشد، هرگز بدون آمادگی سر بر بستر استراحت نمی گذرد. چنین کسی حتّی اگر می خوابد سلاح آماده خویش را در زیر متکای خود حفظ می کند.

(وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّه

[۳۹]

برای رویارویی با کافران و مستکبران هر چه توانایی دارید تجهیزات فراهم آورید و سلاح آماده کنید.

چنین کسی نه فقط همواره خود را آماده نگه می دارد بلکه دیگران را نیز برای آماده شدن بر می انگیزاند.

او نه فقط خود نیرومند و مسلّح است، بلکه دیگران را هم به نیرومند شدن و مسلّح گشتن ترغیب می کند، زیرا خود این آماده سازی دیگران و نیرومند و مسلّح ساختن آنان نیز در راستای یاری رساندن به مولای غایب از نظر است، و منتظرِ یاور، همیشه آماده برای یاری است.

«وَ نُصْرَتی مُعَدَّهٌ لکم.»

[۴۰]

«یاری من آماده برای شماست.»

گمشدگان منتظر

پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) در روایتی شگفت می فرماید:

«بر خدا سزاوار است که اهل ضلالت را به بهشت وارد سازد؟»

«حقیقٌ علی اللّه أنْ یدخِلَ اَهلَ الضَّلالِ الجنّه.»

[۱]

ضلالت و بهشت ؟؟! آیا پذیرفتنی است؟

این غرابت شاید

در همان دوران هم همه را به شگفتی کشانده باشد. و شاید از همین روست که امیرالمؤمنین(علیه السلام) برادر و یار همیشگی پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)سخن او را تبیین و تفسیر می کند:

«پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) با این تعبیر ایمان آوردگانی را قصد فرمود که در زمان فتنه بر پیروی از امام غائبِ خویش به پا خیزند، امامی که جایگاهش پنهان و وجود نازنینش پوشیده از همه دیدگان است.

آنان به پیشوایی او اقرار دارند و به ریسمان ولایت او چنگ زده و چشم انتظار ظهور او هستند. یقین میورزند، تردید ندارند، صابر و شکیبا، و تسلیم فرمانهای او هستند.

ضلالت آنها تنها به این معناست که نسبت به جایگاه امام شان و شناسایی شخص پیشوای شان گمشده به حساب می آیند.» [۲]

پس این «گمشدگی» است نه «گمراهی»! و این «گمشدگی» ماست نه «گمشدگی امام»! این گمشدگی را به تعبیری دیگر می توان سرگشتگی نامید.

و زیباست تعبیر مولا که فرمود:

«در زمان فتنه به پیروی از امام بر می خیزند.» [۳]

گمشده نمی نشیند، گمشده احساس آرامش نمی کند، گمشده از جستجوی راه دست نمی کشد، گمشده منتظِر در طلب امامش، در تکاپوی یافتن مولایش، سرگشته و سرگردان است.

پس یکی از ویژگیهای منتظرین را همین سرگشتگی و سرگردانی و احساس گمشدگی می توان دانست.

انتظار همیشگی

انتظار، وقت نمی شناسد، صبح و شام نمی شناسد، گاه و بیگاه نمی شناسد. انتظار سوز شوقی است که به جان می افتد، شعله عشقی است که در دل می گیرد، تا جان به تن منتظران است و تا دلشان می طپد، انتظارشان می سوزاند و گرما می بخشد.

در خانه اند یا در

کوچه و بازار، در بسترنـد یا در کشاکش کار، در تنهایی یا در اجتماع، در آسانی یا در سـختی، در سـلامت یا در مریضـی، در وطن یا سـفر، در هر زمان، در هر جا، و در هر حال، فکر و ذکر منتظران مشغول به یار مورد انتظار است. اصلاً بنده مؤمن خدا، در دوران غیبت امامش، لحظه ای را بی انتظار نمی گذراند:

«انّ احبّ الاعمال الی اللّه عزّوجلّ انتظار الفرج و مادام علیه العبد المؤمن.»

«محبوب ترین کارها در نزد خدای عزّوجلّ انتظار فرج است و بنده مؤمن همواره در حال انتظار به سر می برد.» [۴]

و امام صادق(علیه السلام) فرمود:

«انتظر الفرج صباحاً و مَساءً.»

«در هر صبح و شام منتظر فرج باش»!

این فرمـان امـام به انتظار، از نگاهی دیگر نوعی خبردادن از نامعلومی زمان فرج است، به عبارت دیگر شایـد مقصود این باشـد که صـبحگاهان منتظر فرج باش، زیرا چه بسا تا شامگاهان فرج فرا برسد; و شامگاهان منتظر فرج باش، زیرا چه بسا تا صبحگاه بعدی ظهور امضاء گردد.

گنج انتظار

در بیـن قصه هـای کهن ایرانی، قصّه پیرمردی را می خـوانیم که وقـتی مرگ خـویش را نزدیـک می یابـد، پسـرانش را فرا می خوانـد و سـخن از گنجی بزرگ به میان می آورد که در مزرعه مـدفون است. او بدون آنکه مکان دقیق نهانی گنج را به آنان بگوید چشم از دنیا فرو می بندد.

فرزنـدان او در طلب گنـج سرتاسـر زمین مزرعه را می کاونـد و در پایان ناامیـد از پیدا کردن گنج، بر زمین زیر و رو شده و به خوبی شخم خورده، بذر می پاشند. چند ماهی بعد، زمانی که انبوه چشم نو ازِ

گیاهـانِ روییـده از خـاک خوب و آماده، به بار می نشـینند و محصولی سـرشار و ثروتی فراوان به ارمغان می آورنـد، راز گنج مزرعه گشوده می شود و عاقبت اندیشی پیرمرد حکیم بر فرزندان آشکار می گردد.

انتظار را از آن رو که خود کنـدوکاوی جهادگرانه است و از آن جهت که حرکت و تلاش و مقاومت و صبر را به همراه دارد، می توان به جسـتجوی بی امان فرزندان در طلب گنج موعودِ پیرمرد شبیه دانست. با این تفاوت که گنج موعود انتظار، خود نیز حقیقتی تردید ناپذیر است.

انتظـار دوران بـا شـکوه امـام زمـان(علیه السـلام) تنهـا بهانه ای برای حرکت پیگیر منتظران نیست، بلکه خود نیز براستی گنجی واقعی است، گنجی که پربهاتر از آن در سرتاسر آفرینش وجود ندارد.

انتظار امام زمان(علیه السلام) یعنی انتظار خلاصه همه خوبیهای خلقت.

و انتظار دوران امام زمان(علیه السلام) یعنی انتظار عصاره همه تاریخِ سراسر نور و هدایت پیامبران.

اگر انتظار کشـیدی و به مقصود رسـیدی، او را دیدی، کلام جانبخشـش را شـنیدی، دست عنایتش را برسرت احساس نمودی، در سـایه حکومتش حکومت توحیـد و عـدالت و انسـانیت را تجربه کردی، و در دوران خلافتش، خلیفه اللّهی انسان را مجسّـم یافتی، کامیاب خواهی بود.

و اگر انتظار کشیدی و به مقصود نرسیدی، او را ندیده مُردی، و طعم عدالت موعود را نچشیده وعده حق را اجابت کردی، باز هم کامیاب خواهی بود؛ زیرا انتظار فرج خود از بالاترین مصادیق فرج و گشایش است.

«انتظار الفرج من اعظم الفرج»

روبه روی یار

دو نفر که به هم پشت کرده اند هر چه پیشتر بروند و هر چه بیشتر زمان بگذرد از هم دورتر می شوند. حال اگر

یک نفر ایستاد یا برگشت برای به هم رسیدن آن دو کافی نیست، مگر آنکه وقتی برگشت آنقدر سریع حرکت کند که بتواند راه رفته خویش و مسافت طی شده توسط دیگری را جبران کند.

امّا اگر هر دو رو به هم برگشتند دیری نمی پاید که دوباره به هم می رسند.

بیایید تا مواظب باشیم پشت به یارِ موعود نکنیم و در راهی خلاف راه او حرکت ننماییم.

بیایید مراقب باشیم که اگر خود از او روی گردانده ایم لااقل آنقدر به فساد و تباهی کشیده نشویم که او هم از ما روی بگرداند.

امّا اگر خدا نکند روزی چنین نیز شد، مبادا که ناامید شویم، مبادا که غفلتمان ادامه پیدا کند! بیایید در آن حال هم باز به سوی او برگردیم و از همه قوای خود از همه استعدادهای خود، از همه بود و نبود و دار و ندار خود، مایه بگذاریم و از هر کس و از هر وسیله ممکن مدد بگیریم و فاصله فراق را جبران کنیم.

اصلاً بیایید کاری کنیم که همیشه رو به او داشته باشیم، کاری کنیم که هرگز او روی از ما نتابد و ما از او روی نتابیم.

آخر مگر نه این است که در یکی از همین فرداها او خواهد آمد و ما را به یاری خواهد طلبید؟ اگر رو به او نداشته باشیم، اگر از او فاصله گرفته باشیم، اگر صدایش را نشنویم، یا اگر اینهمه دوری معنوی ما را در جبهه مخالفین او قرار داده باشد، چه باید بکنیم؟ چگونه باید سیاه روزی و نگون بختی خود ساخته را، جبران کنیم؟

در آنروز درد و داغ و حسرت

مان چه سودی می بخشد و ابراز باور و ایمان مان چه نفعی دارد؟

«امام صادق(علیه السلام) درباره آیه:

(یوْمَ یأْتِی بَعْضُ آیاتِ رَبِّک لاینْفَعُ نَفْساً إِیمانُهَا لَمْ تَکنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ کسَبَتْ فِی إِیمانِهَا خَیراً.

[۶]

فرمود:

«الآیات هم الأئمه و الآیه المنتظر القائم(علیه السلام)فیومئذ لاینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنت به قبل قیامه بالسیف، و إن آمنت بمن تقدّمه من آبائه(علیهم السلام).»

[۷]

«روزی که برخی آیات پروردگارت ظاهر گردد، کسی که از قبل ایمان نیاورده است یا در ایمان خود خوبی و خیراتی بدست نیاورده باشد، ایمان آوردنش سود نمی بخشد. آیات همان أئمه(علیهم السلام) هستند و آیه مورد انتظار، حضرت قائم(علیه السلام) است. پس در آنروز کسی که قبل از ظهور با شمشیر به او ایمان نیاورده باشد، ایمان آوردنش نفعی نمی رساند، اگر چه به همه امامان پیش از او ایمان داشته باشد.»

انتظار و دعا

دعا کردن خواستنی ساده نیست، طلب نمودنی معمولی نیست، بلکه ایمان به خدا و قدرت مطلق اوست، باور داشت سبب سازی و سبب سوزی اوست، جهت بخشی به خواسته هاست، نوعی تطبیق دادن یا در خواست مطابقت بین مطلوبات مورد نیاز بشر، با اراده و مشیت خداست.

و بدین سان در دعا برای فرج، تنها به الفاظی حاکی از نیاز به گشایش و جملاتی با مفهوم در خواستِ تعجیل ظهور، اکتفاء نمی شود، بلکه چنین دعایی با ایمان به خدا و اعتراف به توانایی های بی نهایت او و عشق به حاکمیت اراده او و جهت گیری به سمت توحید و عدالت و حرکت در مسیر تحقق خواسته های الهی و کوشش در راه نزدیک ساختن ایده های خویش به نویدهای دوران پس از

ظهور همراه است.

چون چنین است، دعـا برای فرج از مصادیق انتظار است. بلکه بالاتر از این، دعاکننـده منتظِر از زمره خاصّان به شـمار می آیـد، چنانکه فرموده اند:

«هرکس بر بلا شکیبا باشد و به وسیله دعا چشم انتظار فرج از سوی خدا باشد، از خاصّان محسوب می شود.» [۸]

و چون چنین است، دعـا برای فرج در کلاـم معصومین(علیهم السـلام) ملازم و همراه با انتظار فرج ذکر می شود، چنانکه راوی گویـد: در نزد امام(علیه السـلام)سـخن از غیبت مهـدی(علیه السـلام) پیش آمد، پرسـیدم: شـیعیان شـما در آن زمان چه کنند؟ فرمود:

«علیکم بالدّعاء و انتظار الفرج.»

«بر شما باد که دعا کنید و منتظر فرج باشید.» [۹]

و نیز از این روست که حضـرت مهـدی(علیه السـلام)در توقیع شـریف خویش مردم را نه فقـط به دعـا کردن، بلکه به زیاد دعا نمودن برای تعجیل فرج، سفارش می فرماید و همین دعا کردن را فرج و گشایش مسلمین می شمارد:

«اکثروا الدّعاء بتعجیل الفرج فانّ ذلک فَرجُکم.»

[۱۰]

و بهمین خاطر است که امام رضا(علیه السلام) به دعا کردن برای حضرت صاحب الزّمان(علیه السلام) فرمان می داد:

«عن یونس بن عبدالرحمان: أن الرّضا(علیه السلام) کان یأمر بالدّعاء لصاحب الامر(علیه السلام).»

منتَظِر و منتَظَر

نه چنان است که خلقی چشم انتظار ظهور حضـرت مهدی(علیه السـلام) و عملی گشـتن وعده های الهی به دست او باشند ولی او خود بی خبر از اینهمه اشتیاق، رها از هر دغـدغه ای، گوشه آسایشـی برای خویش گزیـده و نسـبت به درد و رنـج و شـکنج شیعه و یارانش بی تفاوت و بی احساس، روزگار غیبت را سپری سازد!

او علاوه بر آنکه از اوضاع و احوال منتظرانش آگاه است.[۱۲] و در مراعات حال آنان

کوتاهی نمی کند و یادشان را از خاطر نمی برد [۱۳]، خود نیز در حالت انتظار به سر می برد.

او چشم انتظار اذن خداست [۱۴]، تا از پرده غیبت بدر آید و خورشید جمال خویش را بی هیچ حجابی به جهانیانِ در ظلمت نشسته بنمایاند.

او چشم انتظار فرمان پروردگار است [۱۵] تا با سلاح عقل و علم و عطوفت و نه با شمشیر فقط همه دلها را مسخّر خویش گرداند و همه سرزمینها را به زیر سلطه دین و عدالت در آورد.

او چشم انتظار آسایش دوستان و موالیان خداست.[۱۶] تا در سایه حکومت توحیدی او از رنج انتظار بیاسایند و از فتنه های دوران غیبت رهایی یابند و با استمداد از علم و عدالت او قلّه های کمال را یکی پس از دیگری در نوردند.

همین چشم انتظاری های امام زمان(علیه السلام)است که نیمه شب ها خواب را از چشمان مبارکش می گیرد و اشک سوزانش را برگونه های مقدّسش جاری می سازد و ناله و ندبه اش را باعث می گردد.

«اللّهمَّ طال الانتظار، و شَمُتَ بنا الفجّار، وصَعُبَ علینا الانتصار.»

[۱۷]

«بار خدایا! انتظار طولانی شد و مورد نکوهش کافران قرار گرفتیم و یاری نمودن ما یکدیگر را، مشکل گردید.»

شعر انتظار

بسیاری از شاعران شیعی از دیر باز ، عشق و شور و شیدایی و سرگشتگی و چشم انتظاری خود نسبت به ساحت مقدّس امام زمان(علیه السلام) را، در قالب اشعاری پرمایه و گرانسنگ ، جاودانه ساخته اند ، که بدون تردید در انگیزش انتظار توده های مختلف مردم در هر زمان تأثیری چشم گیر داشته است . اینک ما در ختام این نامه انتظار ،

تنها به ذکر نمونه هائی چند از شعر معاصر، از شاعرانی پر احساس و درد آشنا که خواستگاه همگی آنها حوزه های مقدّس علمیه می باشد، اکتفا می کنیم.[۱۸]

ماندیم و ندیدیم به ناز آمدنت

چون سرو سرافراز فراز آمدنت

دل در خم کوچه شهادت ماندست

(صادق رحمانی)

* * *

(زهرا رضوی)

* * *

ای نسیم سرخوش که از کرانه ها عبور میکنی

ای چکاوکی که کوچ تا به جلگه های دور می کنی

ای شهاب روشنی که از دیار آفتاب می رسی

این فضای قیرگونه را پر از طنین نور می کنی

آی ابر دلگرفته مهاجری که خاک تیره را

(محمّد رضا ترکی)

* * *

(سید عبدالله حسینی)

* * *

کامی چو کویر خشک و سوزان دارم

(عباس ساعی)

* * *

(پروین غلامی)

* * *

(محمّد تقوی)

* * *

کاشکی مردی بیاید حرفهای سینه را معنا کند

واژه واژه ، رمز خط کوفی آیینه را معنا کند

بس که ماندم در حصار انتظاری تلخ،معلومم نشد

خوبِ من کی خواهدآمد،عصر آن آدینه را معنا کند خواب سبزی دیده ام،انگارمی آید سواری سبز پوش شعلهور خشمی به دستش تا تب دیرینه را معنا کند (علی پورحسن آستانه)

* * *

ای آخرین امید! در شام تار ما

ای روشنای عشق! ای غمگسار ما!

داغم به سینه ماند ، در انتظار تو

از رهگذار شوق ، این یادگار ما

تا روز واپسین ، می ماند ای نسیم!

بر جاده ظهور ، چشم مزار ما

روزی که می رسی ، میبینی ای عزیز!

خون گریه های شوق ، بر رهگذار ما

(رضائی نیا)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹